

The Position of the Presumption of Culpability over the Presumption of Innocence in Adjudicating Narcotic Crimes: An Approach in Imamiyyah Jurisprudence and Judicial Practice

1. Mehdi Hariri*: Assistant Professor, Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: Mehdihariri20@pnu.ac.ir (Corresponding Author)

ABSTRACT

Drug trafficking and abuse, whether in traditional or synthetic forms, constitute one of the most complex and dangerous forms of contemporary organized crime, posing a serious threat to individual health, public security, and social order. The transformation in production and distribution patterns—from the cultivation of narcotic plants to the manufacture of synthetic psychotropic substances—has compelled legal systems to reconsider fundamental principles of criminal procedure. The presumption of innocence, as one of the cornerstones of fair trial, safeguards human dignity and ensures balance between the parties to a case. However, in narcotics-related crimes, due to their inherent characteristics, such as evidentiary complexity, the wide scope of trafficking networks, and their severe societal harm, legislators have, in certain instances, reversed the burden of proof, prioritizing the presumption of culpability over the presumption of innocence. This shift, manifested through statutory and judicial presumptions, encompasses examples such as the absolute criminalization of poppy and coca cultivation, the confiscation of vehicles carrying narcotics, and the seizure of assets derived from drug trafficking. While such measures are designed to protect public interests and facilitate the detection and suppression of crimes, they also raise persistent challenges in balancing public security with individual rights. Analyzing the jurisprudential and legal foundations of this precedence—particularly in the context of Imamiyyah jurisprudence and judicial practice—can clarify its scope and limitations, thereby providing guidance for a more balanced application of this rule in alignment with the requirements of a fair trial.

Keywords: *Presumption of culpability, presumption of innocence, narcotic crimes, Imamiyyah jurisprudence, criminal procedure*

How to cite: Hariri, M. (2025). The Position of the Presumption of Culpability over the Presumption of Innocence in Adjudicating Narcotic Crimes: An Approach in Imamiyyah Jurisprudence and Judicial Practice. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 356-374.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 17 February 2025
Revise Date: 03 May 2025
Accept Date: 07 May 2025
Publish Date: 30 May 2024



جایگاه تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در رسیدگی به جرایم مواد مخدر با رویکردی در فقه امامیه و رویه قضایی

۱. مهدی حریری: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. پست الکترونیک: Mehdihariri20@pnu.ac.ir (نویسنده مسئول)

چکیده

پدیده قاچاق و مصرف مواد مخدر، چه در شکل سنتی و چه صنعتی، یکی از پیچیده‌ترین و خطرناک‌ترین جرایم سازمان‌یافته معاصر به شمار می‌آید که تهدیدی جدی علیه سلامت فردی، امنیت اجتماعی و نظم عمومی محسوب می‌شود. تحول در الگوهای تولید و توزیع این مواد، از کشت گیاهان مخدر تا تولید مواد روان‌گردان شیمیایی، نظام حقوقی را ناگزیر به بازنگری در اصول و قواعد آیین دادرسی کیفری کرده است. اصل برائت، به عنوان یکی از بنیادین‌ترین اصول دادرسی عادلانه، تضمین‌کننده کرامت انسانی و توازن میان طرفین دعوی است. با این حال، در جرایم مواد مخدر، به دلیل ویژگی‌های خاص این جرایم، از جمله پیچیدگی اثبات، گستردگی شبکه‌های قاچاق و آثار زیان‌بار بر جامعه، قانونگذار در برخی موارد با معکوس کردن بار اثبات، اماره مجرمیت را بر اصل برائت مقدم داشته است. این تغییر رویکرد که در قالب امارات قانونی و قضایی بروز می‌یابد، مصادیقی چون جرم‌انگاری مطلق کشت خشخاش و کوکا، ضبط وسایل نقلیه حامل مواد و مصادره اموال ناشی از قاچاق را در بر می‌گیرد. چنین سیاستی، هرچند به منظور حفظ منافع عمومی و تسهیل در کشف و سرکوب جرم طراحی شده، همواره با چالش‌هایی در تعادل میان امنیت اجتماعی و حقوق فردی همراه است. بررسی مبانی فقهی و حقوقی این تقدم، به‌ویژه در فقه امامیه و رویه قضایی، می‌تواند به شفاف‌سازی حدود و ثغور آن و ارائه راهکارهایی برای اعمال متوازن این قاعده در راستای دادرسی منصفانه کمک کند.

واژگان کلیدی: اماره مجرمیت، اصل برائت، جرایم مواد مخدر، فقه امامیه، آیین دادرسی کیفری

نحوه استناددهی: حریری، مهدی. (۱۴۰۴). جایگاه تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در رسیدگی به جرایم مواد مخدر با رویکردی در فقه امامیه و رویه قضایی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۱۷(۱)، ۳۷۴-۳۵۶.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۹ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

مقدمه

امروزه قاچاق مواد مخدر از جرایم سازمان یافته ی فراملی به حساب می آید. توزیع کنندگان و مصرف کنندگان مواد مخدر به تدریج الگوی توزیع و مصرف را از فرایند سنتی به مواد روان گردان (صنعتی و شیمیایی) تغییر داده اند و این امر تحولات حقوق ماهوی را می طلبد. همچنین موفقیت در مبارزه با جرم، بستگی کامل با جامعیت صراحت و کارایی آئین داری کیفری دارد.

رعایت حقوق متهم و حفظ کرامت و شأن وی از ارکان آئین داری عادلانه می باشد. پذیرش اصل برائت از دو منظر حائز اهمیت است.

اولاً: از منظر سیاست جنایی تقنینی و قضایی، شخص متهم بی گناه فرض می شود

ثانیاً: تکلیف اثبات مجرمیت، به عهده مدعی می باشد.

در برخی موارد مقنن با معکوس کردن بار اثبات دلیل، بار اثبات را از دوش مقام تعقیب بر عهده متهم قرار داده و در واقع با جابجایی بار اثبات دلیل، اماره مجرمیت را بر اصل برائت مقدم دانسته است

در قوانین کشورهای مختلف به ویژه کنوانسیون جرایم مواد مخدر مصوب ۱۹۸۸ به علت پیچیدگی جرایم مواد مخدر، در این کنوانسیون به دولت ها توصیه شده که با رعایت اصول حقوق انسانی خود بار اثبات را معکوس کنند»

تحقق داری عادلانه مستلزم رعایت تشریفات خاصی می باشد و برای تحقق داری عادلانه نیازمند، رعایت حقوق طرفین و اصل تساوی سلاح می باشد. اولین رکن این حق نیز پذیرش فرض برائت در فرایند تقنینی و قضایی است؛ و از شرایط اساسی پذیرش فرض برائت اصل البینه علی المدعی است. در این راستا اصل برائت مورد توجه قرار می گیرد که هم در شرع و هم از لحاظ عقلی منشأ اثر می باشد و در قانون گذاری جمهوری اسلامی ایران در باب جرایمی علی الخصوص جرایم مواد مخدر نقش بسزایی دارد؛ از جمله جرائم مهم مبتلی به که در آن بار اثبات دعوا مطرح می باشد جرایم مواد مخدر است؛ در حال حاضر به علت پیشرفت علوم انفورماتیک و مدرن، شیوع مواد مخدر، فراوان و در دسترس بودن آن بر فرایند اثبات این جرایم تأثیر گذاشته است و موجب جا به جا کردن بار اثبات دلیل از دوش مقام تعقیب به متهم و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در برخی جرایم مواد مخدر (سنتی - صنعتی) مبتنی بر سه معیار ذیل شده است: نخست؛ معیار ارجحیت منافع عمومی بر منافع فردی

دوم: پیچیدگی برخی جرایم از جمله موارد عواید حاصل از جرایم مواد مخدر در کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان به دولت ها توصیه کرده است که با رعایت اصول حقوق اساسی بار اثبات را معکوس کنند؛

سوم: معیار تأثیر اوضاع و احوال محیط بر وقوع جرم که در این پژوهش سعی بر آن است که به این موارد توجه گردد و مورد واکاوی قرار گیرد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف یک تحقیق کاربردی است و از لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات به شیوه اسنادی و کتابخانه ای است. که اطلاعات مورد نیاز با مراجعه به منابع علمی مدون و مرتبط با موضوع تحقیق شامل رساله یا پایان نامه های دانشجویی؛ مقالات؛ کتب؛ و فصل نامه های علمی جمع آوری شده است.

سابقه تحقیق

در زمینه اصل برائت در کشور تحقیقات و پایان نامه‌های متعددی وجود دارد از جمله این پژوهش‌ها؛ اصل برائت در اندیشه فقهی فرض بی گناهی در اندیشه اروپایی دکتر علی قربانی - جعفر موحدی، اصل برائت در حقوق کیفری - باقر سرمست بناب، اصل برائت در گذر تاریخ - فرناز اکبر رومنی، اصل برائت و اماره مجرمیت - حمیرا قنبری، اما در زمینه جایگاه اصل برائت در رسیدگی به جرایم مواد مخدر هیچ پژوهش دانشگاهی وجود ندارد و موضوع اصل برائت در جرایم مواد مخدر امری بدیهی و نو می‌باشد.

۲- مفهوم اصل

۲-۱ مفهوم لغوی

برای اصل در لغت عرب معانی فراوانی یافت می‌شود که بیشتر آن‌ها به معانی بیخ، بنیاد، ریشه و پی بر می‌گردد و بسیاری از این معانی عیناً به زبان و ادب پارسی وارد شده است چنان که: سعدی در این شعر «اصل» را به معنای پی و بنیاد به کار بسته است.

نخست اندیشه کن و آنگاه گفتار که نامحکم بود بی اصل دیوار (Sadri, 2013)

از جمله معانی واژه اصل که به معنای ریشه و بنیاد است و معانی پدر، مایه، کان، عنصر، مبدأ، سرچشمه، منبع و گوهر است (Sadri, 2013). برخی از لغویان از معنای پی و بنیاد پایین‌ترین نقطه را لحاظ کرده‌اند (Sadri, 2013).

مراد از اصل، ریشه هر چیزی و یا آنچه، چیز دیگری بر آن بنا نهاده شده باشد، اصل اعم از عقل و حس است که در اصطلاح معانی متعددی دارد (Dehkhoda, 1998).

مفهوم اصل در فقه

در فقه «اصل» در معانی چندی اصطلاح شده است که عموم آن معانی به همان معنای ریشه و بنیاد باز می‌گردد و عبارت از: چیزی است که چیزهایی بر آن بنا می‌شوند اما خود بر چیز دیگری بنا شده است. (Sadri, 2013).

اصل در اصلاح اصول فقه عبارتست از: قواعدی که در هنگام شک در حکم واقعی شارع مقدس (قانونگذار) برای تعیین حکم ظاهری شرعی بدان مراجعه می‌کنیم، بنابراین شرط اساسی در ماهیت اصل این است که در هنگام شک بدان رجوع می‌کنیم (Faraji, 2010).

اصل در علم اصول فقه عبارتست از قواعد کلیه‌ای است که در مورد چگونگی استنباط احکام بحث می‌کند. اصول دو قسم است:

۱- اصول لفظیه

۲- اصول عملیه (Valaei, 2010).

اصل برائت

مفهوم اصل برائت

واژه برائت در لغت به معنای پاک شدن از عیب و تهمت، رهایی از بدهی، بیزاری از چیزی و پاک شدن است (Amid, 1965).

اصل برائت در حقوق به این معنی است که باید بنا را به بی گناهی افراد فرض نمود و چون اثبات مجرمیت افراد بر عهده دادستان می‌باشد که با ارایه دلایل قانونی، ضمن یک دادرسی عادلانه با حفظ کرامت انسانی متهم و از طرف دادگاه صالح طرف بر مبنای تشریفات قانونی به موجب حکم قطعی مجرمیت متهم اثبات شود و در هر مورد که نسبت به جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و مجازات شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم وجود داشته باشد باید به سود و نفع متهم تفسیر شود و با تفسیر مضیق متهم تبرئه گردد.

به نظر می‌رسد از اصول بنیادی و مهم دادرسی عادلانه، اصل برائت می‌باشد که تضمین کننده حقوق و آزادی‌های افراد می‌باشد، فلذا سلب و تحدید آزادی افراد خلاف اصل می‌باشد و نیاز به نص قانونی دارد.

از مهمترین اصول حاکم بر ادله اثبات دعوی کیفری، اصل برائت است. اصل برائت یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که به دفاع از اولین و مهمترین حق دفاعی متهم می‌پردازد. امروزه در نظام‌های نوین دادرسی با توسعه بخشیدن به مفهوم اصل برائت کیفری از آن کارکردی به منظور تضمین احساس امنیت و آزادی افراد و اعضاء جامعه انتظار می‌رود.

به عبارت دیگر، غرض از مفهوم اصل برائت کیفری یا «فرض بی گناهی» مصونیت بخشیدن به افراد عادی از تعرض سایرین به ویژه صاحبان قدرت و نمایندگان قوای عمومی است. نقش سایر قوای عمومی همچون قوه مقننه، مجریه، نیروی انتظامی و به ویژه دادسرا و دادستان در حاکمیت بخشیدن به اصل برائت کیفری بسیار مهم و اساسی است (Javanmard, 2014).

در اصطلاح اصولیون، اصل برائت عبارت است از: «حکم به عدم ثبوت تکلیف برای مکلف در مورد که اصل وجود تکلیف مشکوک باشد». یعنی، هرگاه دلیل معتبری بر وجود یک تکلیف الزامی دلالت نکند، هر چند احتمال تکلیف وجود داشته باشد، در ظاهر حکم می‌شود که مکلف در این باره تکلیفی ندارد و ذمه او بری است (Shariati & Ghazi, 2013).

نتایج حاصله از اصل برائت در امور کیفری این است که: اولاً: متهم موظف به ارائه دلیل بر بی گناهی خود نیست، ثانیاً: شک و تردید باید به نفع متهم تفسیر شود، ثالثاً: متهم به ارتکاب جرم، اعم از اینکه عنوان بزهکار اتفاقی یا تکرار کننده داشته باشد، نسبت به آن اتهام بی گناه محسوب می‌شود تا زمانی که مجرمیت او اثبات گردد (Ebrahimi, 2014).

در بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، این اصل به این طریق بیان گردیده است که: هر کس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد که بی گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن (جرم) مطابق قانون اثبات شود. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز با همین مضمون اعلام می‌دارد که: هر کس به جرمی متهم شده باشد، بی گناه محسوب خواهد شد تا اینکه تقصیر او به طور قانونی محرز گردد. این اصل مهم علاوه بر این اسناد، در بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شق ب بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، بند ۳ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه رواندا، ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی (ICC) و بند (d) ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو پیرامون حقوق بشر دوستانه نیز مورد توجه و تاکید قرار گرفته است که حاکی از اهمیت این اصل راهبردی است (Hashemi, 2013).

در حقوق داخلی ایران اصل ۳۷ قانون اساسی اشعار داشته: اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

و در اصل ۳۹ نیز اشاره شد: «هتک حرمت و حقیقت کسی که به حکم قانونی دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است».

در ماده ۴ ق. آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ نیز «اصل، برائت است. هر گونه اقدام محدوده کننده، سلب آزادی و رود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند».

قبلاً در بند (۲) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ مقرر داشته: «تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی گردیده اصل بر براءت متهم بوده و هر کس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.»

مبنای اصل براءت

بسیاری از نویسندگان مبنای اصل براءت در فقه و فرض بی گناهی در حقوق کیفری را «کرامت ذاتی انسانی»، «ضرورت ایجاد توازن بین طرفین دعوی»، «تضمین امنیت افراد جامعه»، «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»، «اصل عدم»، «اصل اباحه»، «قاعده دراء»، «قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر ترجیح اشتباه در کیفر» دانسته‌اند (Ghorbani, 2011).

به نظر می‌رسد باید بین اصل براءت و فرض بی گناهی باید قائل به تفکیک شد، زیرا اصل براءت دارای منشأ و پیشینه‌ی اروپایی است و این در اصطلاح از یکدیگر متمایزند، اگر چه شاید به نظر رسد، «اصل براءت» و «فرض بی گناهی» یکی باشند لکن این دو اصطلاح یکسان نبوده و دارای مبنای مشترک نیستند، بلکه تنها دارای اشتراک لفظی هستند. از جمله مبنایی که در فوق ذکر شد «اصل عدم»، «اصل اباحه»، «قاعده دراء»، «قاعده غلبه» دارای ریشه و منشأ فقهی بوده ولی «ضرورت ایجاد توازن بین اصحاب دعوی»، «تضمین امنیت افراد جامعه»، «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» دارای ریشه و منشأ اروپایی است و بر خواسته از اندیشه‌ی اروپایی بوده و «کرامت» و «قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر ترجیح اشتباه در کیفر» هم دارای ریشه فقهی و هم دارای ریشه اروپایی است، به عبارت دیگر «کرامت انسانی» و «قاعده ترجیح اشتباه در عفو بر ترجیح اشتباه در کیفر»، هم در تفکر خدا محور فقهی و هم در تفکر فرد محور اروپایی پیش بینی شده است ولی برداشت‌ها از کرامت انسانی در این دو تفکر متفاوت است، یعنی تفکر فقهی با دیدگاه خدا محورانه به کرامت انسانی و تفکر اروپایی با دیدگاه فرد محورانه به کرامت انسانی نظر دارند (Ghorbani, 2007).

النهاییه برای تعیین مبنای اصل براءت باید در پی کشف براءت باید در پی کشف ریشه‌ها و اندیشه‌های فقهی باشیم.

فلذا اصل براءت در مفهوم ماهوی و شکلی کاربرد دارد.

در امور ماهوی، فرض بر عدم مجرمیت اشخاص است مگر خلاف آن ثابت شود.

در امور شکلی، فرض بر بی گناهی افراد است و هیچ محدودیتی تا قبل از اثبات مجرمیت قابل اعمال بر متهم نیست.

این اصل بر مبنای بناء عقلا است، و اصل براءت از اصل عدم سرچشمه گرفته است و اصل عدم نیاز به اثبات ندارد.

در حقوق کیفری در فرایند مجازات باید در موضوع قطع و یقین باشیم، فلذا با امعان به اینکه اصل براءت است باید جرم اثبات شود و بار اثبات آن بر عهده مدعی است و مراتب اثبات در موضوع قطع و یقین باشد و الا شک در جرم - مجرم، مجازات و مسئولیت کیفری قاعده دراء اجرا می‌شود و متهم طبق اصل براءت، بیگناه فرض می‌شود.

قلمرو اصل براءت

اصل برائت که مبین و متضمن حسن نیت به رفتار اجتماعی دیگران و پرهیز از بدگمانی و سوء ظن به افراد و احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی است منحصر به مرحله دادرسی و صدور حکم نمی‌شود، بلکه مرحله تحقیقات مقدماتی پلیس و نیروی انتظامی، مرحله تعقیب و کشف جرم در دادسرا را نیز در بر می‌گیرد.

اگر چه عدالت حقوقی اقتضا می‌نماید که در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد، اما در موارد خاصی مطالب عمومی ایجاب می‌کند که اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم گردد. در این صورت، روند دادرسی تغییر کرده و به این طریق اصل برائت نسبت به متهم زایل می‌گردد.

عدول از اصل برائت عمدتاً در مواردی مطرح می‌شود:

اولاً: ارتکاب جرم موجب صدمه شدیدی به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد.

ثانیاً: اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی، امکان پذیر نباشد، عدول از این اصل در دو حوزه بیشتر دیده می‌شود (حوزه جرایم علیه امنیت- ثروت‌های مشکوک) (Sarmast Bonab, 2008).

شیوه‌ای که می‌توان بار اثبات دلیل را معکوس نمود به دو صورت امکان پذیر است با یکی شیوه ی ماهوی است که در آن مقنن مواردی استثنایی را مورد توجه قرار داده و بار اثبات دلیل را به متهم تحمیل می‌کند و دیگری شیوه ی شکلی است که مقنن این اختیار را به قاضی می‌دهد که چنان چه قرائن و اوضاع و احوال بر علیه متهم بود بتواند بار اثبات دلیل را معکوس کند. شیوه تقنینی (ماهوی) خود به سه صورت قابل اعمال است: ۱- فروض قانونی که در آن مقنن برای تسهیل اثبات جرم از سوی مقام تعقیب بر حسب مورد یکی از ارکان معنوی و یا مادی به فراخور جرم مورد نظر مفروض در نظر می‌گیرد. ۲- شرایط مساعد بر حال متهم است که در این که بار اثبات آن بر عهده ی چه کسی است اختلاف نظر وجود دارد.

شرایط اضطراری

در قانون موضوعه ایران نیز مواردی مشاهده می‌شود که بار اثبات دلیل معکوس می‌گردد لکن در این زمینه هیچ گونه نظم بندی خاصی وجود ندارد، زیرا معکوس کردن بار اثبات دلیل اولاً، بدون صراحت مقنن، ثانیاً، در مصادیق متعدد و پراکنده‌ای ذکر شده است.

مفهوم اماره مجرمیت

«اماره در لغت به معنای نشانه، علامت، یادگار، نام شب، کلمه عبور، دلالت اشعار دارد».

در اصطلاح تعاریف متعددی از اماره بیان شده: در نظر برخی اماره طریقی است به سوی حکم شرعی واقعی که برای جاهل به حکم واقعی قانون گذاری شده است به عبارت دیگر، قانون گذار اماره را از این جهت که موجب ظن می‌شود معتبر شناخته است» (Feyz, 1987).

در تعریف دیگری از اماره، آن را از جمله دلایلی می‌دانند که مبنای حجیت آن، کاشفیت نسبت به واقع است و به همین ملاک نیز از سوی شارع، حجیت یافته است. مفاد امارات می‌تواند احکام شرعی یا موضوعات باشد. در اصطلاح اصول فقه، امارات حاکی از احکام واقعی دلایل اجتماعی است (Mohaqqiq Damad, 2007).

قانون مدنی امارات را به دو قسم قانونی و قضایی تقسیم کرده است. در ماده ۱۳۲۱ ق.م اشعار داشته:.... امارات که به حکم قانونی یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود»

«اماره قضایی عبارت است از قرائن و اوضاع و احوالی که در هر مورد خاص در نظر قاضی دلالت بر امری کند، به طوری که از نتایج آن ظن معقول و قوی بر وجود مجهول یافت شود به طوری که قاضی به میزانی از قناعت وجدانی رسد که به احتمال قوی به واقع دست یابد» (Omrani, 2011).

«امارات قانونی در حقوق کیفری عبارت است از اماره‌ای که به زعم قانون گذار دلیل یا نشانه‌ی امر مجهولی است و قاضی کیفری را در فرایند دادرسی کیفری و اجرا حکم است اتخاذ تصمیم و مبتنی بر قانون یاری می‌کند» (Akbari & Ansari Moghaddam, 2012).

«برخلاف امور مدنی در امور کیفری امارات قضایی بسیار گسترده‌تر از امارات قانونی است. همچنین امارات قضایی در این امور اثبات کننده جرم است، البته در صورتی که برای قاضی اطمینان بخش باشد. اما امارات قانونی اثبات کننده جرم نبوده و وظیفه آن‌ها اثبات حکمی از احکام قانون گذاری است. از مصادیق امارات اخیر اماره قصد مجرمانه، سلامت روانی، اماره مجرمیت، اماره عدم رشد جزایی است و انگشت نگاری و آزمایش خون نیز می‌تواند از مصادیق از امارات قضایی باشد.» (Saei & Saghafi, 2013).

اماره مجرمیت: قرائن و نشانه‌های عینی (نوعی) است که به حکم قانون ظهور بر مجرمیت متهم دارد. با امعان به اینکه در حقوق کیفری اصل بر قطعیت و حتمیت می‌باشد و در شک و تردید اصل بنیادین برائت حاکم می‌شود. در فرایند دادرسی کیفری آئین دادرسی عادلانه در اثبات عمل مجرمانه نقش بسزایی دارد یکی از راه اثبات عمل مجرمانه امارات قانونی می‌باشد که یکی از مصادیق امارات قانونی (اماره مجرمیت) می‌باشد.

جرایم مواد مخدر

مفهوم جرایم مواد مخدر

«واژه مخدر اسم فاعل است که به معنی سست کننده، بی حس کننده و خواب آور. واژه مخدر اسم مفعول است که به معنی سست شده، بی حس و خواب زده. هر دو از مصدر تخدیر می‌باشند که معنی بی حس کردن، سست کردن و بی حال نمودن می‌دهد. علاوه بر این کلمه مخدر به معنی پرده و حجاب و وسیله استتار و پوشاندن و تاریکی شب، و مخدره به معنای پرده نشین، مستور، پنهان و در خیمه نشاندگی می‌باشد. نام مخدر را بر روی مواد معروف از آن جهت نهاده اند که اول: سست کننده اندام و اعضا، کسل کننده، خواب آور و مانع اراده است، ثانیاً پرده‌ای و حجابی روی مغز می‌کشد و آدمی را از تفکر و تدبیر باز می‌دارد.» (Hamidi, 1992).

در فرهنگ معین در معنای مواد مخدر آمده است:

«داروهایی که استعمال آن‌ها سبب بی حس و تخدیر عمومی یا موضعی می‌گردد (مانند کوکائین، هروئین و غیره)؛ این داروها معمولاً موجب اعتیاد می‌شوند» (Baseri, 2011).

براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی

«دارو یا ماده مخدر در مفهوم کلی آن، هر ماده یا ترکیبی از چند ماده شیمیایی است، که از جمله مورد نیاز بدن برای بقای سالم به شمار نرفته و مصرف آن‌ها احتمال تغییری در کاربرد بیولوژیک و حتی ساخت بیولوژیکی بدن مطرح می‌سازد» (Saki, 2001).

در تعریف دیگر «مواد مخدر اعم از طبیعی یا مصنوعی، به موادی اطلاق می‌شود، که استعمال آن باعث تاثیر بر مغز و اعصاب شده، حالت و وضع روانی و جسمی مصرف کننده را دگرگون می‌سازد» (Zebhi, 2014).

«جرایم مواد مخدر عبارتند از هرگونه کشف، ساخت و تبدیل، نقل و انتقال، خرید و فروش، اخفاء و نگهداری و استعمال یا مداخله در مواد مخدر که برخلاف موازین قانونی صورت پذیرد (Rahmdel, 2006a, 2006b, 2008, 2012).

بنابراین مواد مخدر اعم از سنتی یا صنعتی به موادی اطلاق می‌شود که مصرف آن‌ها موجب می‌شود بر روی قوه عاقله و ادراک تاثیر سوءیی داشته و پس از ورود به بدن اثر تخریری داشته و موجب رخوت و سستی و حالاتی همچون سرخوشی، لذت، خواب آلودگی می‌شود.

مواد مخدر سنتی

«مواد مخدر طبیعی که منشا گیاهی دارند مانند: (تریاک، حشیش، کوکائین، هروئین، مرفین)» (Shakeri, 2007).

مواد مخدر سنتی به موادی گفته می‌شود که منشا گیاهی دارد و بر روی اعصاب مصرف کننده تاثیر می‌گذارد و فعالیت‌های فکری و بدنی فرد را دچار خوت و سستی می‌نماید.

مواد مخدر صنعتی

«مواد مخدر صنعتی (روان گردان) موادی که با ورود در بدن مصرف کننده، عمدتاً مغز و روان را تحت تاثیر قرار داده و ایجاد کننده تغییرات روحی، روانی مانند: توهم، تحریک پذیری کاذب و تغییرات در ادراک و تشخیص می‌شود» (Zebhi, 2014). مواد روان گردان موادی هستند که محرک و توهم زا هستند و روی فکر و اندیشه و اراده فرد تاثیر می‌گذارند و او را در حالت‌های خلسه‌ای فرو می‌برند که با واقعیت موجود در تضاد است. مواد روان گردان بر سیستم مرکزی فرد تاثیر می‌گذارند و رفتار، هوشیاری و یا خلق و خوی فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند» (Saki, 2001).

مواد مخدر صنعتی (مصنوعی) برخلاف مواد مخدر طبیعی که محدود به مناطق جغرافیایی مختص با آب و هوای خاص است، می‌توانند در هر منطقه و کشوری تولید شدند، افزایش کشف لابراتورهای مخفی تولید مواد مخدر صنعتی و تجهیزات آنها، مواد شیمیایی، و نیز گزارش در خصوص روند سوء مصرف این مواد است. مواد مخدر مصنوعی (ترکیبی) با توجه به تامین همه نیازها و سلاقی مختلف، آسان بودن تهیه مواد اولیه آنها، کم بودن قیمت و هزینه آنها، مقدور بودن تولید آنها در هر منطقه، تنوع و گوناگونی تولید است یا شده، و عدم آشنایی کامل نیروهای مبارزه کننده با این تولید است، که گوشه کوچکی از علل شیوع و گسترش سوء مصرف این مواد، به خصوص مواد محرک از نوع «آمفتامین» به شمار می‌آیند. عرصه حضور و ظهور یافته‌اند. روال در روند مصرف مواد مخدر صنعتی مثل «آمفتامین‌ها» و «اکستازی» در حال حاضر در جوامع مختلف از جمله ایران تبدیل به یک نگرانی شده است. و الگوی مصرف سنتی دیرینه از تریاک و حشیش به سمت مواد مخدر صنعتی تغییر یافته است. گروه‌های سازمان یافته و مافیایی بین المللی مواد مخدر و نیز گروه‌های سازمان یافته در کشورهای همسایه حتی گروه‌های داخلی به انگیزه‌های مختلف، به ویژه دسترسی به سود کلان، مواد مخدر صنعتی تولید و آن را با قیمت کم در سطح کشور ایران به ویژه مدارس راهنمایی و دبیرستانی توزیع می‌کنند. اکنون مصرف این مواد در بین نوجوانان و جوانان کشور ایران به اوج خود رسیده است. به حدی که برخی صاحب‌نظران از آن به عنوان یک تهدید امنیتی نام می‌برند. از همه مهمتر تکنولوژی جدید نخست مواد مخدر مصنوعی با ظاهر فریبنده خود تحت نام‌هایی نظیر اکستازی (اکس - سکس) کریستال (شیشه)، اسپید، یخ (ice)، قرص عشق، شب عید (EVE) تمجیزک، دی جیزک، حبس نور، کراک، ال سی دی، قرص پرداز، سبک کننده، بشقاب پرنده، بیسکوئیت، دیسکوها، دنیای خیال و... زمینه ظهور یافته است» (Esmaeili, 2003).

ضمناً شایان ذکر است طبقه بندی مواد مخدر براساس تاثیر بر ارگان‌سیم بدین شرح می‌باشد.

گروه نخست: سستی زها

مواد گروه سستی زا که باعث رخوت و سستی در بدن می‌شود به دو قسم طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌گردد:

۱- مواد سستی زای طبیعی از قبیل خشخاش، تریاک و آکالوئیدی‌های تریاک چون مرفین، نارکوتین، پاپاورین، بتاین، کدئین، نارسین و هروئین

۲- مواد سستی زای مصنوعی: (شبه مرفین) از قبیل متادون، پتدین، گروه باریتورات‌ها و بنزود یازپین ها

گروه دوم: توهم زها

گروه دوم توهم زها که باعث ایجاد اوهام و خیالات و تصورات در مصرف کننده می‌شود و به دو قسم طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌گردد:

۱- مواد توهم زای طبیعی: (شاهدانه و مشتقات آن) از جمله حشیش، چرس، بنگ و گراس

۲- مواد توهم زای مصنوعی: از جمله ال. اس. دی، دی متیل تریپتامین و دی اتیل تریپتامین، پی سی پی - فن سیکلیدین

گروه سوم: توان زها

مواد توان زا که باعث احساس حس تحرک و افزایش قوای حبس در مصرف کننده می‌شود و به دو نوع طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌گردد:

۱- مواد توانز زای طبیعی: محرک‌ها از جمله، کوکائین و کراک

۲- مواد توان زای مصنوعی: از جمله آمفتامین‌ها و اکستازی

۶- تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر

با امعان به اینکه مقنن بدنال اوضاع و احوال پرونده و حکم عقل اصل بر برائت نهاده است. و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر از مباحث حائز اهمیت می‌باشد در سه عنوان (مفهوم تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر - دلایل تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر - مصادیق تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۶-۱ مفهوم تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت (معکوس کردن بار اثبات دلیل)

از منظر حقوقدانان معکوس کردن بار اثبات بدین معناست «هرگاه قانونگذار درباره ی جهات بار اثبات را از دوش مقام تعقیب برداشته و بر عهده متهم قرار دهد، گفته می‌شود بار اثبات معکوس شده است.» (Zebhi, 2014).

برخی دیگر گفته اند: «هر کس را به صرف وجود قرینه یا اماره‌ای مجرم تلقی نمائیم و با توجه به این که لازمه تحقیق هر جرمی اجتماع ارکان متشکله آن است. بنابراین هر یک از این ارکان و نهادن بار اثبات خلاف آن بر عهده متهم به معنای اماره مجرمیت است.» در تعریف دیگر «جا به جا کردن بار اثبات دلیل برخلاف قاعده موجود» (Pourzand Moghaddam, 2000).

آئین دادرسی عادلانه مشخص رعایت حقوق شاکی و متهم و جامعه می‌باشد. یکی از اصول بنیادین آئین دادرسی عادلانه رعایت حقوق متهم و حفظ کرامت و شأن متهم می‌باشد. و اصل برائت از ارکان حقوق دفاعی متهم می‌باشد.

در حقوق کیفری یکی از اصول آن اصل حتمیت و قطعیت حقوق کیفری می‌باشد، فلذا امری که باید اثبات شود، جرم است کسی که باید جرم را ثابت کند، شاکی است (البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر) و در شک و تردید در عناصر قانونی، مادی، روانی، شرایط مسئولیت کیفری و مجازات وفق قاعده درء باید تفسیر به نفع متهم و شک در اصل تکلیف، اصل بر برائت است.

«از جمله سفارش پیامبر (ص) که می‌فرماید:

ان الامام ان یخطی فی العفو خیر من ان یخطی فی العقوبه

اشتباه قاضی در عفو متهم بهتر از اشتباه وی در کیفر دادن است.» (Shams Nateri, 2002).

حقوقدانان معتقدند: همانگونه که عدالت کیفری اقتضا می‌کند که در صورت عدم وجود دلیل برائت و بی‌گناهی متهم در مورد حکم فرار گیرد در موارد خاص نیز که وجود قرائنی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند اقتضای عدالت حقوقی و مصالح اجتماعی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است» (Tadayon).

التهایه با اعمال اصل برائت در امور کیفری و قلمرو حقوق جزا، این مقام تعقیب دعوا (شاکي - دادستان) که وظیفه اثبات ارکان جرم نسبت به متهم دارد، اما در برخی موارد عدول از اصل برائت در صورتی توجیه منطقی دارد که امارات (قانونی - قضایی) سبب ایجاد ظن قوی یا اطمینان آور نسبت به متهم شود که فرض مجرمیت متهم مقدم بر اصل برائت می‌شود و فرایند دادرسی منقلب، و با مخدوش شدن اصل برائت، این متهم است برای بی‌گناهی خود باید دلیل ارائه نماید

دلایل تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت

دلایل معکوس کردن بار اثبات به شرح ذیل می‌باشد

الف) ضرورت حفظ حقوق جامعه

ب) ضرورت تسهیل در پیچیدگی و مشکلات اثباتی جرایم

پ) ضرورت توجه به اوضاع و احوال

ت) ضرورت توازن بین اصحاب دعوی (تساوی سلاح‌ها)

ضرورت حفظ حقوق جامعه

«اصولاً حقوق و آزادی‌های فردی تا زمانی مورد حمایت قرار دارد که در تعارض با حقوق و آزادی‌های فرد دیگر و با نظم عمومی اجتماع قرار نگیرد» (Mill, 1984).

در مواردی که منافع اجتماعی به منافع فردی ترجیح بیشتری داشته و فرض بی‌گناهی به طور مطلق در نظر گرفته شود و نتوان آثار آن را تحدید نمود به نحوی که متهم در پناه فرض بی‌گناهی بتواند آسیب شدید و تهدید جدی علیه منافع افراد یا جامعه وارد کند بار اثبات دلیل معکوس می‌گردد.

۲-۶-۲ ضرورت تسهیل در پیچیدگی و مشکلات اثباتی جرایم

«پیچیدگی و مشکلات اثباتی برخی جرایم در دنیای کنونی موجب تهدید فرض بی‌گناهی و در نتیجه معکوس کردن بار اثبات شده است. پیشرفت تکنولوژی، ضمن آن که رفاه مادی را برای انسان به ارمغان آورده است، مشکلاتی را نیز برای پلیس و تشکیلات کیفری از جهت کشف جرم ایجاد نموده است. به موازی ترقی و پیشرفت پلیس در بهبود شیوه‌های کشف جرم - متخلفان نیز برای پیچیده ساختن کشف آن تلاش می‌کنند و حتی می‌توان گفت تبهکاران پیشروتر از پلیس عمل می‌کنند از این رو قانون گذاری برای حمایت از مقامات پلیس و تعقیب کننده جرم در واقع در مقام رفع نقطه ضعف پلیس، به کمک آنان می‌آید و با معکوس کردن بار اثبات دلیل، متهمان را در وضع ضعف قرار می‌دهند.» (Rahmdel, 2012).

ضرورت توجه به اوضاع و احوال

«اصل برائت، اصل عقلی و منطقی و قانون گذار با توجه به وضعیت غالب افراد در جامعه و اینکه اساساً اصل بر عدم ارتکاب جرم است. اصل بر برائت قرار داده است. به عبارت دیگر، اوضاع و احوال محیط بر جامعه بیانگر آن است که هیچ کس مجرم نیست مگر اینکه ادعای مربوط به ارتکاب جرم با دلایل شروع به اثبات برسد به عبارت دقیق تر، عقل حکم می‌کند که متهم به ارتکاب جرم بی گناه تلقی شود تا مدعی ادعای خود را اثبات کند. مبنای حکم عقل نیز اوضاع و احوالی این که افراد انسانی در آن زندگی می‌کنند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت در مواردی که اوضاع و احوال دگرگون شود عقل نیز به نحو دیگری حکم خواهد کرد. لذا قانون گذار نیز با توجه به اوضاع و احوال موجود در مورد برخی جرایم از اصل برائت عدول و اصل را بر مجرمیت قرار می‌دهد (Rahmdel, 2006b).

ضرورت توازن بین اصحاب دعوی (تساوی سلاح‌ها)

«در شرایط عادی، در فرایند دادرسی کیفری، مقام تعقیب با این ادعا که امنیت حاکم بر اجتماع و نظم عمومی جامعه نقض شده است، با ابزار و امکانات متعدد و متنوع به تعقیب متهم می‌پردازد. در مقابل متهم نه تنها از کمک قدرت عمومی بهره‌مند نیست بلکه حاکمیت به او نگاه مثبت ندارد و در صدد مجازات اوست و تقریباً فاقد هر گونه ابزار و امکانات لازم است.» (Farahbakhsh, 2006).

«قدرتمند شدن مجرمین در برابر دولت‌ها به طوری که اقدام به تشکیل دولتی موازی در داخل یک کشور می‌کنند و همچنین با تضعیف قدرت دولت در برابر گروه‌های مجرمانه، استفاده مجرمین از شیوه‌های پیچیده در ارتکاب جرم و به تبع آن حجم عظیم فعالیت‌ها و حتی داشتن هواپیماهای خصوصی و فرودگاه‌های اختصاصی و استفاده از این ابزارها برای ارتکاب بد جرم، به خصوص قاچاق مواد مخدر و تشکیل کارتل‌های قوی مربوط به آن، کنترل نظام اجرایی قضایی و تقنینی یک کشور و تأیید در قانون گذاری‌ها به واسطه تطمیع یا تهدید یا کشتن قضایی که تطمیع نمی‌گردند» داشتن درآمدهای بسیار کلان به واسطه گستردگی فعالیت‌ها به طوری که تبدیل به یک قدرت اقتصادی در برابر دولت داخلی شوند، همه و همه اقتضاء می‌نماید که جامعه بشری برای رویارویی با چنین معضلاتی، چاره‌ای اساسی بیندیشد و راه‌های نوین مبارزه ارائه دهد. در نتیجه معکوس کردن بار اثبات دلیل از جمله این راه کارهاست» (Bagherzadeh, 2008).

مصادیق تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم مواد مخدر

مصادیق تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت شامل (کشت خشخاش و کوکا- ضبط وسیله حمل و نقل- مصادره اموال قاچاقچیان) که در ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

کشت خشخاش و کوکا

ماده ۲ مصوب مبارزه با مواد مخدر اصلاح ۱۳۸۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشعار داشته:

«هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند یا برای تولید ماد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیر داروئی شاهدانه بپردازد. علاوه بر امحاء کشت بر حسب میزان کشت به شرح ذیل مجازات خواهد شد.»

در این ماده مقنن کشت خشخاش یا کوکا به طور مطلق بر هر انگیزه‌ای که باشد جرم انگاری کرده است.

به عبارتی هر کسی اقدام به کشت خشخاش یا کوکا نماید جرم تلقی می‌شود مگر خلاف آن اثبات شود (اماره قانونی)

عنصر روانی جرایم مشتمل بر دانستن (علم به حکم- علم به موضوع) و خواستن (عمد در فعل- عمد در نتیجه (در جرایم مقید) می‌باشد.

در فرایند دانستن، در صورتی کسی که اقدام به کشت خشخاش یا کوکا می‌نماید که علم به موضوع (ماهیت ماده کشت شده) نداشته است مسئول نیست. و این بخش ماده اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم و بار اثبات دعوا بر عهده متهم می‌باشد.

ضبط وسیله حمل و نقل

مقنن در ماده ۳۰ مصوبه مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹ اشعار داشته: «وسائط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیر داروئی شناخته می‌شوند، به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرد. چنان چه حمل مواد مخدر یا روانگردان‌های صنعتی غیر داروئی بدون اذن مالک و اطلاع مالک وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می‌گردد.»

در این ماده مقنن اصل بر علم و اطلاع مالک وسیله نقلیه از اقدام به قاچاقچیان مواد مخدر فرض نموده است مگر اینکه اثبات جهل به موضوع (حمل مواد مخدر سستی یا صنعتی) از طرف مالک اثبات گردد.

به نظر می‌رسد مبنای این ماده در اماره ید (تصرف) باشد که وقتی ماشینی در آن مواد مخدر حمل شود اصل بر علم و اطلاع مالک است چرا بر مبنای تغلیب و غلبه مالک اتومبیل خود را در اختیار هر راننده‌ای غیر وثوقی قرار نمی‌دهد فلذا در نتیجه مالک به علت تقصیر خود در عدم رعایت احتیاطات مسئول است. (دفع خطر احتمالی عقلاً واجب است).

مصادره اموال قاچاقچیان مواد مخدر

مقنن در مواد ۴، ۵، ۶ و ۸ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ اشعار داشته: «کلیه اموال محکوم علیه قابل مصادره می‌باشند. اعم از اینکه از زاه قاچاق مواد مخدر یا به وسیله فعالیت‌های مشروع تحصیل شده باشند.»

متأسفانه مقنن در قانون مواد مخدر سال ۱۳۷۶ برخلاف اصل بنیادین و مترقی برائت اماره مطلق و غیر قابل رد و مبتنی به گناهکاری مجرمین مواد مخدر قرار داده است و کلیه اموال این مجرمین به استثنای (هزینه تأمین متعارف زندگی) خواه منشأ اموال از راه حلال و مشروع تحصیل شده یا نامشروع قابلیت مصادره را دارد.

این ماده از مصادیق بارز تقدم اماره مجرمیت به فرض برائت می‌باشد و این ماده بر خلاف اصول دادرسی کیفری عادلانه می‌باشد. در حالی که تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت باید به صورت محدود و استثنایی باشد و اصل برائت به عنوان یک اصل کلی و عام الشمول باید حاکم باشد.

اما مقنن در اصلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۸۹ به اصلاح این ماده پرداخته و در ماده ۲۸ اشعار داشته «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر یا روان گردان‌های صنعتی غیر داروئی تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی‌باشد.» در این ماده مقنن در باب مصادره اموال قاچاقچیان بین اموال مشروع و نامشروع قائل به تفکیک شده است و عواید حاصل از مواد مخدر قابل مصادره می‌باشد.

درج عبارت «در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، دقیقاً نشان دهنده نگرانی از اعمال معکوس کردن بار اثبات دلیل در رسیدگی به جرائم مواد مخدر بوده است به همین دلیل است که در وضعیت جاری نمی‌توان در حوزه ی عوائد حاصل از جرایم مواد مخدر به مسأله معکوس کردن بار اثبات دلیل معتقد بود» (Ghorbani, 2007).

اصلاحات ق. م. م سال ۱۳۸۹ در ماده ۲۸ مبتنی بر اصل برائت و اصل حرمت مالکیت اشخاص می‌باشد، فلذا اصل بر مشروعیت دارایی‌های اشخاص می‌باشد مگر به موجب قرائن یقین آور یا اطمینان بخش دال بر مجرمیت و نامشروع بودن اموال باشد که در این فرض اماره مجرمیت بر اصل برائت مقدم می‌باشد فلذا اصلاحات قانون مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر اصل احترام به کرامت انسانی و اصل مترقی برائت و اصول دادرسی عادلانه می‌باشد.

سوال مهم این است آیا یافت شدن مواد مخدر در تصرف شخص وی را در معرض اتهام نگهداری، احفاء و.. قرار می‌دهد آیا به صرف یافت شدن ماده ی مخدر در تصرف شخص می‌توان نظر به مجرمیت و نهایتاً محکومیت وی داد و او را مجازات کرد؟

«به نظر می‌رسد در مواد مخدر صرف یافت شدن ماده مخدر در تصرف شخصی و رویه قضایی اصل مجرمیت جایگزین اصل برائت می‌شود مبنای این نحوه عمل رویه قضایی را می‌توان «اصاله الظهور» قرار داد. بدین توضیح که رویه قضایی بر این اساس که از نظر عقل و بنای عقلا و عرف هر آن کس که چیزی در تصرف دارد به ماهیت و خصوصیات شی مزبور آشنایی دارد و بر این اساس آن را تصرف می‌کند طبق ظاهر عمل می‌کند و چنین فرض می‌کند که متصرف، علم به موضوع دارد و با علم به موضوع آن را تصرف کرده است» (Rahmdel, 2008).

سوال مهمی که متبادر به ذهن می‌شود آیا در صورتی در تصرف و ید متهم هروئین کشف گردد و متهم مدعی گردد و متهم مدعی گردد که وجود مواد مخدر و از نوع تریاک را قبول دارد ولی از وجود هروئین بی اطلاع است آیا با وجود تصرف هروئین در ید متهم و تفاوت فاحش مجازات این دو نوع ماده مخدر تکلیف مقام قضایی چیست؟

در باب قاعده احتیاط (اشتغال ذمه) در فرآیند شبهه وجوبی یکی از مصادیق آن شبهه میان اقل و اکثر می‌باشد و آن زمانی است که در میان اطراف علم اجمالی یکی نسبت به دیگری محدودتر باشند.

با امعان به اینکه در اصل ماده مخدر وفق قاعده اماره ید (تصرف) شک و تردیدی وجود ندارد و متهم اصل ماده مخدر سنتی را قبول دارد ولی در نوع ماده مخدر در تصرف خود و موضوع جرم ادعای شبهه (جهل) به نوع آن مطرح می‌نماید.

شایان ذکر است با عنایت به اصل حتمیت و قطعیت حقوق کیفری و اینکه در صورت حدوث شبهه باید قاعده درأ و تفسیر مضیق قوانین جرایمی حاکم می‌باشد. فلذا سؤال مطروحه از مصادیق شبهه میان اقل و اکثر در میان علم اجمالی می‌باشد و نظر مشهور اصولیون بر طبق اصل عدم زیاده، برائت می‌باشد. فلذا النهایه با عنایت به اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها و ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و قواعد درأ و احتیاط (اشتغال ذمه) در این پرونده مقام قضایی باید به اماره ید (تصرف) در اصل ماده مخدر شک و تردیدی وجود ندارد ولی در نوع آن باید تحقیق و بررسی کند. اگر تحقیقات و استنتاجات نتیجه‌ای حادث نشد و دلیلی بر نفی ادعای متهم کشف نشد، وفق اصل برائت و عدم زیاده ملاک و مناط اقل علم اجمالی موضوع جرم (تریاک) می‌باشد.

مواد مخدر و جایگاه اخلاق:

اخلاق از جایگاه و نمود والایی برخوردار است، نبی مکرم اسلام فرمود: (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) من برای تکمیل کردن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام (Majlisi, 1983).

با توجه به عدم کارایی واکنش‌های کیفری و مجازاتهای قانونی در دهه‌های اخیر در خصوص مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن، اگر ساختار سازی اخلاقی به صورت فرهنگ عمومی در جامعه ترویج گردد می‌تواند به عنوان پیش گیری غیر کیفری جایگزین واکنش کیفری در مورد اعتیاد قرار گیرد، از آنجا که اخلاق اسلامی حافظ شخصیت و کرامت انسانی می‌باشد و مواد مخدر شخصیت و فضایل اخلاقی و عزت نفس

را از فرد سلب می‌نماید و زبونی و ذلت را جایگزین آن می‌کند فلذا بایستی مردم و بلاخص حکومت در ارتقای اخلاقیات بکوشند تا از این طریق از گرفتار شدن در دام اعتیاد رهایی یابند، بایستی رویکرد لذت جویی از مصرف مواد مخدر را تغییر و با تبدیل آن به لذت‌های پایدار و ابدی که در اثر تقوی و یاد خدا بودن به وجود می‌آید و به مرحله خیر آوری می‌رسد و سبب پیش‌گیری از اعتیاد را به وجود خواهد آورد. در صورت ساختار سازی اخلاقی در جامعه در جهت پیش‌گیری فرهنگی از اعتیاد به مواد مخدر نه تنها بسیاری از هزینه‌های مادی و معنوی مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر کاهش می‌یابد بلکه بسیاری از آسیب‌ها و معضلات فردی و اجتماعی که زائیده اعتیاد هستند نیز جلوگیری به عمل می‌آید. برای ساختار سازی اخلاقی در جامعه جهت تبیین فرهنگ پیشگیری از جرایم بالاخص اعتیاد به مواد مخدر بایستی آیات الاخلاق قرآن کریم و همچنین احادیث معصوم علیهم السلام در این خصوص تشریح گردد و بدیهی است که در صورت تبیین صحیح این آیات و احادیث به لحاظ فطری بودن آن‌ها بدون تردید مورد پذیرش افراد جامعه قرار خواهد گرفت. از آنجاییکه یکی از مشکلات اساسی جوامع بشری مشکل اعتیاد به مواد مخدر می‌باشد که در کمین افراد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان است طبعاً پیشگیری بهتر از درمان است چرا که اگر پیشگیری به موقع و مناسب انجام گیرد دیگر نیازی به درمان نیست و در نتیجه ساختارهای اخلاقی و رویکردهای پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر در میان جوانان در سنین نوجوانی و جوانی به عنوان آسیب پذیرترین گروه خطر متمرکز گردد. (مهدوی، ۱۳۹۸: ۲۴۸) هرچند اخلاق گرایی در معنای محدود خود، حفظ و پاسداشت اخلاقیات جامعه را مد نظر دارد، آنچه می‌تواند مبنای دیدگاه اخلاق گرایان در حمایت از اخلاق جامعه باشد این است که یکی از وجوه همبستگی اجتماعی وجود باورهای اخلاقی مشترک در جامعه است و چون حقوق کیفری باید از همزیستی مسالمت آمیز و پایه‌ها و ارکان همبستگی اجتماعی حمایت کند، لذا حمایت از اخلاقیات نیز از جمله کارکردهای حقوق کیفری است. بر این اساس چون فروش و سوء مصرف مواد مخدر هم به ضرر فرد و جامعه است این امر از نظر اخلاقی مذموم است (Jafari, 1991).

نتیجه‌گیری

- ۱- یکی از ویژگی‌های آئین دادرسی عادلانه در رعایت اصل برائت به عنوان ام‌الاصول می‌باشد و این اصل در راستای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. در فرآیند ادله اثبات دعوا تکلیف مقام تعقیب به ارائه دلیل و اثبات گناهکار است فلذا محصول از اصل برائت در صورتی توجیه حقوقی دارد که وجود امارات قانونی یا قضایی سبب اتخاذ ظن (عینی - شخصی) شود.
- ۲- وفق اصول حقوقی اصل به برائت است و هیچ کس از نظر قانونی مجرم نیست مگر جرم او در دادگاه ثابت شود. فلذا معکوس کردن بار اثبات دلیل امری خلاف قاعده است و باید تفسیر مضیق شود.
- ۳- معکوس کردن بار اثبات دلیل در حقوق کشورهای اروپایی بیشتر در جرایم سازمان یافته مشاهده می‌شود (کنوانسیون پالرمو مصوب سال ۲۰۰۰) و در فقه نیز مصادیق آن‌ها در قاعده لوث مشاهده می‌شود. از نظر قانونی معکوس کردن ادله دعوا نیاز به نص قانونی دارد. (کشت خشخاش و کوکا- ضبط وسیله حمل و نقل مواد مخدر)
- ۴- به نظر می‌رسد مقنن در جرایم مواد مخدر در باب معکوس کردن ادله اثبات دعوا موضوع افراطی را پذیرفته است. در کشت خشخاش و کوکا و ضبط وسیله حمل و نقل مواد مخدر فرض گناهکاری مطلق بر محاکم و به طوری که اثبات خلاف آن از سوی متهم امکان پذیر نیست.

۵- مقنن در جرایم مواد مخدر در فرآیند ادله اثبات دعوا دارای دو هدف پیشگیرانه و سرکوبگرانه بوده است. از منظر پیشگیری نسبت به افرادی که قصد ارتکاب این گونه جرایم را دارند، با اعمال این روش افراد بیشتری در بند سیستم عدالت کیفری گرفتار می‌شوند و از منظر سرکوبگرانه، افراد که مرتکب جرایم مواد مخدر شوند احتمال در بند شدن بیشتر از رهایی آن‌ها می‌باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The phenomenon of drug trafficking and abuse, encompassing both traditional narcotics and synthetic psychotropic substances, has emerged as one of the most pressing forms of organized crime, endangering public health, social security, and the integrity of legal systems. In response to the complex nature of such crimes, many jurisdictions have reconsidered fundamental principles of criminal procedure, particularly the presumption of innocence, which is a cornerstone of fair trial standards and a guarantee of human dignity. The inherent evidentiary difficulties, the sophisticated operational networks involved, and the severe societal impact of narcotic crimes have led legislators, in specific contexts, to reverse the burden of proof—effectively prioritizing the presumption of culpability over the presumption of innocence (Zebhi, 2014). This inversion, expressed through statutory and judicial presumptions, is evident in provisions such as the absolute criminalization of poppy and coca cultivation, automatic confiscation of vehicles transporting narcotics, and seizure of assets suspected to be derived from trafficking, even in the absence of direct proof of illicit origin. While these measures are intended to facilitate the detection and suppression of drug-related crimes and protect public interests, they raise persistent legal and ethical challenges in balancing collective security with individual rights (Rahmdel, 2006b). From the perspective of Imamiyyah jurisprudence, the principle of *al-bayyinah ‘ala al-mudda’i* (the burden of proof is on the claimant) forms the doctrinal basis for the presumption of innocence; however, under certain conditions—such as those threatening public order—the lawmaker may justifiably create legal presumptions that shift the evidentiary burden to the accused (Tadayon). The study underscores that such deviations from general procedural guarantees must be narrowly construed and grounded in clear legislative authority, aligning with the dual aims of deterrence and suppression inherent in Iran’s narcotics legislation.

A crucial conceptual foundation for this debate lies in defining the presumption of innocence and its doctrinal and jurisprudential roots. In both Islamic jurisprudence and modern legal systems, the presumption of innocence serves as a protective barrier against arbitrary state power and as a safeguard of the accused’s rights (Hashemi, 2013). In the Iranian legal order, this principle is enshrined in Article 37 of the Constitution, reinforced by statutory provisions such as Article 4 of the Code of Criminal Procedure, and echoed in international instruments like the International Covenant on Civil and Political Rights. Within Imamiyyah jurisprudence, related constructs—such

as *asl al-bara'ah* (the principle of exemption from liability in the absence of proof), *qa'idat al-dar'* (the rule of avoiding punishment in cases of doubt), and the preference for erring in acquittal over conviction—reflect a deep-rooted concern for protecting individuals from wrongful punishment (Ghorbani, 2007; Shariati & Ghazi, 2013). The presumption of culpability, by contrast, emerges as a legal device where the legislator, based on public interest or evidentiary necessity, presumes guilt upon the establishment of certain objective indicators (*amārāt*), shifting to the accused the onus of disproving such guilt (Mohaqqiq Damad, 2007). The tension between these two presumptions encapsulates the central dilemma: while the former is designed to protect individuals, the latter seeks to protect society, and the lawmaker must calibrate their interaction to avoid undermining justice. The legislative justification for advancing the presumption of culpability in narcotics cases rests on several rationales. First, the necessity of protecting collective rights and public welfare can override individual protections when the latter become vehicles for systemic harm (Mill, 1984). Second, the extraordinary evidentiary challenges posed by narcotics crimes—owing to their transnational organization, covert operational methods, and the sophistication of trafficking networks—require procedural adaptations to avoid impunity (Rahmdel, 2012). Third, prevailing environmental conditions, including the high profitability of narcotics and their infiltration into diverse layers of society, alter the factual and normative assumptions underpinning the presumption of innocence, justifying legislative interventions (Rahmdel, 2006b). Finally, the principle of equality of arms, fundamental to fair trial standards, can paradoxically be served by reversing the burden of proof in contexts where the prosecution faces systemic disadvantages vis-à-vis powerful criminal organizations (Farahbakhsh, 2006). These rationales are not unique to Iranian law; they echo provisions in international conventions such as the 1988 UN Convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances, which explicitly recommend that signatories consider reversing the burden of proof in specific narcotics-related offenses.

Concrete applications of the presumption of culpability in Iranian narcotics legislation illustrate both its utility and its risks. For instance, the absolute criminalization of poppy and coca cultivation (Article 2 of the 2010 amendments to the Anti-Narcotics Law) constitutes a legal presumption whereby any cultivation is deemed unlawful unless the accused proves lawful purpose or lack of knowledge of the plant's nature (Zebhi, 2014). Similarly, the automatic confiscation of vehicles found transporting narcotics (Article 30) operates on the presumption that the owner knew or should have known of the illicit cargo, shifting the burden to the owner to prove ignorance (Akbari & Ansari Moghaddam, 2012). The confiscation of traffickers' assets, especially under the pre-2010 framework, represented an extreme application of this principle, allowing the seizure of all property regardless of its proven connection to drug crime (Ghorbani, 2007). Although subsequent reforms narrowed this measure to assets demonstrably derived from trafficking, the earlier approach exemplified the potential for presumption-based rules to contravene core principles of fair trial. Moreover, judicial practice in cases where narcotics are found in a person's possession often treats possession as conclusive proof of knowledge and intent, relying on the jurisprudential maxim of *asl al-zuhūr* (the presumption that appearances reflect reality) (Rahmdel, 2008). These examples reveal how presumptions, when applied expansively, risk eroding the protective function of the presumption of innocence.

The study also addresses the intersection of narcotics regulation and ethical considerations, emphasizing that punitive measures alone have proven insufficient to curb addiction and trafficking. From an Islamic ethical standpoint, moral reform and the cultivation of virtuous habits represent non-penal strategies that can address the root causes of drug abuse (Majlisi, 1983). The Prophet's

mission to “perfect noble character” underscores the preventive role of ethical cultivation in safeguarding human dignity against the corrosive effects of addiction. The societal damage caused by narcotics—ranging from the erosion of individual autonomy to the breakdown of communal bonds—positions drug abuse not only as a legal infraction but also as a moral violation (Jafari, 1991). Consequently, the paper argues for integrating moral education, community engagement, and spiritual development into anti-narcotics strategies, aligning them with the broader Islamic objective of promoting human welfare (*maslahah*). This ethical dimension complements the legal analysis, suggesting that a balanced approach to narcotics control requires both procedural adaptations in the courtroom and preventive interventions in the community.

Ultimately, the research finds that while the presumption of culpability in narcotics cases serves clear policy goals—deterrence, incapacitation, and the facilitation of prosecution—it must be applied within strict legal limits to avoid eroding fundamental rights. The principle should operate as an exception, not the rule, and its application must be explicitly grounded in statutory text and justified by compelling public interest. Moreover, procedural safeguards must ensure that the accused retains a meaningful opportunity to rebut the presumption, thereby preserving the integrity of the judicial process. The Imamiyyah jurisprudential framework, with its nuanced balance between individual rights and communal welfare, provides doctrinal tools for calibrating this balance, particularly through the selective use of legal presumptions, the application of *qa’idat al-dar’*, and the moral imperative to prevent harm (*daf’ al-darar*). By situating the Iranian approach within both domestic jurisprudence and international legal trends, the study offers a roadmap for refining narcotics adjudication in a manner that safeguards public security without sacrificing the core values of justice and human dignity.

References

- Akbari, B., & Ansari Moghaddam, H. (2012). Theory of Reasoning in Criminal Procedure. *Legal Knowledge and Research Quarterly*, 1(1), 3.
- Amid, H. (1965). *Amid Dictionary*. Javidan Elmi Publishing.
- Bagherzadeh, A. (2008). *Money Laundering in Iranian and UK Law and International Instruments*. Mizan Publishing.
- Baseri, A. A. (2011). *Criminal Procedure in Narcotics Cases* (Vol. 2). Khorsandi Publishing.
- Dehkhoda, A. A. (1998). *Dehkhoda Dictionary*. University of Tehran Press.
- Ebrahimi, F. (2014). *Principles of Fair Trial in Administrative Violations*. Danesh Publishing.
- Esmaili, N. (2003). *Encyclopedia of Addiction Treatment Medicine* (Vol. 1). Nadeali Publishing.
- Farahbakhsh. (2006). Concept and Foundations of the Defendant's Right to Defense. *Judiciary Legal Journal*(56-57), 121.
- Faraji, H. (2010). *General Principles of Jurisprudence*. Momtaz Publishing.
- Feyz, A. R. (1987). *Foundations of Jurisprudence and Principles*. University of Tehran Press.
- Ghorbani, A. (2007). Suspicious Transactions and Reversing the Burden of Proof in Money Laundering Crimes. *Criminal Law and Criminology Institute*(2), 95-106.
- Ghorbani, A. (2011). The Principle of Innocence in Islamic Thought and Presumption of Innocence in European Legal Thought. *Islamic Law and Jurisprudence Studies Quarterly*, 8(26), 127-152.
- Hamidi, S. J. (1992). *A Study on the Emergence and Harms of Narcotics*. Amir Kabir Publishing.
- Hashemi, H. (2013). *Right to a Fair Trial* (Vol. 1). Majd Publishing.
- Jafari, T. (1991). *Research in Two Universal Human Rights Systems*. Office of International Legal Services, Islamic Republic of Iran.
- Javanmard, B. (2014). *The Criminal Procedure Process* (Vol. 1). Javidan Publishing.
- Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vol. 68). Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Mill, J. S. (1984). *On Liberty*. Scientific and Cultural Press.
- Mohaqqiq Damad, S. M. (2007). *Topics in Jurisprudential Principles* (Vol. 3). Center for Islamic Sciences Publishing.
- Omrani, R. (2011). *Conflict of Evidence in Civil and Criminal Cases* (Vol. 1). Fekrsazan Publishing.

- Pourzand Moghaddam, P. (2000). *Theoretical Study of Evidence in Criminal Procedure* Qom Higher Education Complex]. Qom.
- Rahmdel, M. (2006a). The Constitution and Burden of Proof in Criminal Matters. *Noor Legal Journal*(8), 114.
- Rahmdel, M. (2006b). *Reversal of Burden of Proof in Iranian Substantive Law*. Institute of Criminal Law and Criminology, University of Tehran.
- Rahmdel, M. (2008). *Burden of Proof in Criminal Matters*. SAMT.
- Rahmdel, M. (2012). *Criminal Law on Narcotics* (Vol. 1). Dadgostar Publishing.
- Sadri, S. M. (2013). *Approach to Foundational Jurisprudential Principles (Fiqh II)*. Legal Thought Publishing.
- Saei, M. T., & Saghafi, M. (2013). Validity of Expert Opinions in Fiqh and Law. *Judiciary Law Journal*(83), 97.
- Saki, M. R. (2001). *Narcotics in Domestic and International Law*. Khat-e-Sevom Publishing.
- Sarmast Bonab, B. (2008). *The Principle of Innocence in Criminal Law*. Dadgostar Publishing.
- Shakeri, A. (2007). *Addiction Treatment for Natural and Synthetic Drugs*.
- Shams Nateri, M. E. (2002). The Principle of Innocence and Its Exceptions in Criminal Law. *Qom Higher Education Journal*, 4(14), 67.
- Shariati, S., & Ghazi, S. (2013). *Applied Principles of Jurisprudence* (Vol. 3). Set Publishing.
- Tadayon, A. Scope of Evidence in Iranian and French Criminal Procedure. *Judiciary Legal Journal*(678), 80.
- Valaei, A. (2010). *Principles of Jurisprudence*. Dar al-Fikr Publishing.
- Zebhi, H. (2014). *Review and Commentary on the Narcotics Law Reform and Its Amendments* (Vol. 1). Judiciary Press Center.